



رابطه بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان مدارس متوسطه شهرستان دماوند

علی جوکار^۱، ملیحه رزقی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان متوسطه شهرستان دماوند» بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه معلمان مدارس متوسطه دولتی مشغول به خدمت در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ تشکیل می دادند که ۳۳۲ نفر بوده و به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای با استفاده از جدول مورگان ۱۵۰ نفر انتخاب گردید. ابزار پژوهش مذکور ۲ پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی بار-آن و خودکنترلی رزنهام بود که ضریب آلفای کرونباخ در هوش هیجانی ۰/۹۳ و خودکنترلی ۰/۷۲ بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری توصیفی شامل (جدول، نمودار هیستوگرام، میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی شامل (آزمون تی تک نمونه ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد، رابطه معنی داری بین هیچ یک از مؤلفه های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نمی شود؛ هرچند رابطه معنی داری بین تک تک مؤلفه های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نشد اما همبستگی چندگانه بین مؤلفه های هوش هیجانی و خودکنترلی ۰/۴۱ می باشد و آزمون F نشان می دهد این همبستگی معنی دار است. همچنین مقدار ضریب تبیین اصلاح شده برابر ۰/۸۹ می باشد و نشان می دهد که تنها ۸/۹ درصد از تغییرات خودکنترلی به مؤلفه های هوش هیجانی مربوط است و بقیه ناشی از عوامل دیگری است که مورد بررسی قرار نگرفته اند؛ میزان خودکنترلی در جامعه مورد مطالعه بالاتر از متوسط نظری است و همچنین نتایج نشان داد وضعیت مؤلفه های خوش بینی، عزت نفس و کنترل تکانش کمتر از میانگین است، مؤلفه واقع گرایی در حد میانگین و سایر مؤلفه ها بالاتر از میانگین بودند.

کلیدواژه ها: هوش هیجانی، خودکنترلی، خوش بینی، عزت نفس

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب Jokarmrs@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن (نویسنده مسئول) m.rezghi2010@yahoo.com



مقدمه

شواهد زیادی ثابت می کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند یعنی احساسات خود را به خوبی می شناسند و هدایت می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طور اثربخشی با آن برخورد می کنند. در هر حیطه ای از زندگی ممتازند. خواه در روابط عاطفی و صمیمانه باشد و خواه در فهم قواعد ناگفته ای که در خط مشی سازمانی به پیشرفت می انجامند (پارسا، ۱۳۸۳). گلمن با مطرح ساختن پژوهش خارق العاده ای که در زمینه مغز و رفتار انجام شده است نشان می دهد که عوامل دیگری به جز هوش شناختی در موفقیت افراد دست اندر کارند. این عوامل جنبه دیگری از هوشمندی را شامل می شود که گلمن آن را «هوش هیجانی» می خواند. در سال ۱۹۹۸ گلمن چارچوب هوش هیجانی را از این نظر بررسی کرد که چگونگی توانایی بالقوه فرد بر اداره مهارت های مربوط به خودآگاهی، خودنظم دهی، آگاهی اجتماعی و مدیریت در روابط می تواند بر پیشرفت در شغل بیانجامد. او هوش هیجانی را به عنوان یک تئوری عملکرد می داند. وی به تازگی آمادگی هیجانی را مطرح ساخته که منظور وی نوعی توانایی آموخته شده بر اساس هوش هیجانی فرد است که پیامد و نتیجه آن در عملکرد کاری وی روشن است (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۷).

هوش هیجانی توانایی بازبینی احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز قائل شدن بین آن ها و استفاده از آن به عنوان راهنمای افکار و اعمالمان است. هوش هیجانی فرد شامل چهار قسمت است: شناسایی، کاربرد، درک و تنظیم هیجانات (سالوی^۱، ۱۹۹۰). مطابق با گلمن هوش هیجانی شامل پنج مؤلفه است: دانستن هیجاناتمان (خودآگاهی) مدیریت آن ها، انگیزتن خودمان، تشخیص هیجانات در دیگران (همدلی) و مدیریت روابط (سریواسان^۲، ۲۰۰۵).

شواهد بسیاری ثابت می کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می شناسند و هدایت می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آن برخورد می کنند، در حیطه ای از زندگی ممتازند، خواه در روابط عاطفی و صمیمانه باشد و خواه در فهم قواعد ناگفته ای که در خط مشی سازمانی به پیشرفت می انجامد. آن ها در زندگی خویش خرسند و کارآمدند و عادات فکری را در اختیاردارند که موجب می گردد آن ها افرادی مولد و کارآمد باشند. افرادی که نمی توانند بر زندگی عاطفی خود تسلط داشته باشند درگیر کشمکش های روانی هستند که از توانایی آنان برای انجام کار متمرکز و تفکر روشن می کاهد. هوش هیجانی در زندگی اجتماعی و فردی و رشد اجتماعی افراد مؤثر می باشد. اثربخشی رشد اجتماعی و هیجانی اعضای آن ها و به خصوص رهبران آن ها می باشد. محققان در اثربخشی گروه ها بیان می کنند که اعضای گروه های اجتماعی و سازمان ها برای موفق بودن نیاز دارند که بتوانند به طور مؤثر با یکدیگر کار کنند و همچنین تعدادی از کفایت های مرتبط با هوش هیجانی را کسب نمایند. (چرنیس^۳، ۲۰۰۲)

خودکنترلی تمایل به آگاهی از مسیرها و خط مشی های تطبیق رفتار با رفتار اجتماعی و اصلاح رفتار شخص بر اساس آن خط مشی هاست. افراد را می توان با توجه به سطح خودکنترلی به دودسته تقسیم نمود. دسته اول کسانی که خودکنترلی بالا دارند نسبت به تطبیق رفتارشان با خط مشی های اجتماعی حساس ترند و از آن خط مشی ها به منظور اصلاح رفتارشان استفاده می نمایند. دسته دوم افراد با خودکنترلی پائین می باشند که نسبت به خط مشی های اجتماعی بی توجه هستند و نسبت به آن ها حساسیتی ندارند و تمایل دارند رفتار مطابق میل خود را در موقعیت های مختلف بروز دهند افراد با خودکنترلی بالا همانند یک

¹.Salovey

².Serivasan

³.Chernis



بازیر از خود این سؤال را می پرسند: چه نقشی را در این موقعیت باید بازی کنند؟ "ولی افراد با خودکنترلی پائین که به سیستم ارزش ها و موقعیت های شخصی خود علاقه مندند از خود می پرسند چگونه می توان به واقع خودم باشم؟" (اسنایدر، ۱۹۷۴)

بیان مسئله

هوش هیجانی به عنوان یک پدیده مورد توجه نه تنها حاوی جنبه تئوریک روان شناختی است بلکه در میدان عمل با ارتقاء آن می توان برای بسیاری از مشکلات نهفته زندگی پاسخ های مناسبی یافت. امروزه مقالات، کتاب ها و کارگاه های آموزشی متعددی در رابطه با EQ تدوین می گردد که همگی تلاشی است بر نشان دادن راهکارهای نو در مقابله با مشکلات فردی و بین فردی در جوامع پیچیده کنونی. امروزه بین یادگیری، امتحان دادن و نمره گرفتن با آنچه لازمه زندگی مدرن و روابط پیچیده بین فردی کنونی است تفاوت زیادی قائل شده اند همه ما انسان هایی را می شناسیم که در ظاهر از تحصیلات بالایی برخوردارند و نمرات درخشانی گرفته اند ولی در عمل و صحنه اجتماع و مسئولیت بسیار شکننده و دارای زندگی نه چندان خوب و حتی گاه بسیار ملامت بار هستند. واقعیت هوش هیجانی و مؤلفه های آن در این زمینه نیز می تواند پاسخگوی بسیاری از چارها باشد. آمار نشان می دهد ۸۰٪ موفقیت انسان ها به هوش هیجانی آنان بستگی دارد. امروزه هوش هیجانی به عنوان نوعی هوش تبیین شده است که هم شامل درک دقیق هیجان های خود شخص و هم تعبیر دقیق حالات هیجانی دیگران است. هوش هیجانی فرد را از نظر هیجانی ارزیابی می کند به این معنی که فرد به چه میزانی از هیجان ها و احساس ها خودآگاهی دارد و چگونه آن ها را کنترل و اداره می کند، نکته قابل توجه در راستای هوش هیجانی این است که توانایی های هوش هیجانی ذاتی نیستند آن ها می توانند آموخته شوند.

هوش هیجانی شامل توانایی ادراک، ابراز، فهم و کنترل هیجانات خود و دیگران است. به عبارت دیگر هوش هیجانی عبارت است از پردازش مناسب اطلاعاتی که بار هیجانی دارند و استفاده از آن در جهت فکر کردن و برقراری ارتباط لازم است (اکبرزاده، ۱۳۸۳). مفهوم هوش هیجانی ژرفای تازه ای به هوش انسان بخشیده و آن را به توانایی ارزیابی هوش عمومی فرد از خود گسترش داده است. هوش هیجانی با شناخت فرد از خودش و دیگران، ارتباط با دیگران و سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواسته های اجتماعی لازم است مرتبط است در واقع می توان گفت هوش هیجانی در دستیابی فرد به موفقیت در حوزه های مختلف تحصیلی و شغلی نقش به مراتب مهم تری از هوش عمومی داشته باشد (ساوولی و یار، ۱۹۹۹).

دانشمندان علوم اجتماعی درصدد کشف ارتباط هوش هیجانی با پدیده هایی نظیر قدرت رهبری، عملکرد گروهی، عملکرد فردی، تبادل بین فردی، اجتماعی، کنترل تغییرات و بیماری های روانی می باشند (گلمن، ۱۹۹۵) اهمیت روش های کنار آمدن توسط متخصصان سلامت پذیرفته شده است. با وجود گوناگونی سبک ها و روش های کنار آمدن به شناخت روش هایی که به بهبود بهتر کمک می کنند با مشکل مواجه شده اند (کورتیس، ۲۰۰۰) خودکنترلی، به کارگیری شناخت ها برای کنترل واکنش های بدنی یا هیجانی، استفاده از روش های حل مسئله، توانایی به تعویق انداختن خواسته ها و احساس خودکارآمدی که به معنای احساس توانایی فرد در مورد به کارگیری مهارت های آموخته شده در موقعیت های دشوار است (ویلیامز، ۱۹۹۲) افرادی که می توانند هدف های واقع گرایانه را اولویت بندی کنند و در زمان تصمیم گیری میان عواطف و عقل تعادل برقرار کنند، خودکنترل هستند (آقایار و شریفی در آمدی، ۱۳۸۵).

¹.Shnider

².Salovey & yar

³.Cortis

⁴.Williams



تفاوت های مهم فردی و قابل سنجش ویژگی های رفتاری را خودکنترلی می نامند. خودکنترلی بیانگر میزان مطابقت ویژگی های رفتاری خود با شرایط و موقعیت موجود است (کریتنر و کینیکی، ۱۳۸۴). همچنین انعکاس تفاوت های فردی در تمایلات است که شکل مشخصی در مدیریت احساسات و عواطف به خود می گیرد (اشنایدر، ۱۹۷۴، به نقل از تات^۱، ۲۰۰۸).

مفهوم خودکنترلی که در سال (۱۹۷۴) توسط اشنایدر گسترش یافت، به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود چه قدر انعطاف پذیر یا چه قدر پایدار است (کاشال^۲ و کوانتس^۳، ۲۰۰۶).

لذا با توجه به آنچه گفته شد این مقاله با هدف تعیین رابطه بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان مدارس متوسطه شهرستان دماوند انجام شد. با توجه به هدف فوق فرضیه ها و سوال های پژوهش به قرار زیر است:

فرضیه های پژوهش

۱- بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان مدارس متوسطه شهرستان دماوند رابطه وجود دارد.

۲- مولفه های هوش هیجانی قابلیت پیش بینی خودکنترلی معلمان را دارند.

سوال های پژوهش

۱- وضعیت خودکنترلی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟

۲- وضعیت هریک از مولفه های هوش هیجانی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟

پیشینه پژوهش

- حاجلو (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه هوش هیجانی و شیوه های کنار آمدن با استرس در مدیران مدارس شهر تهران» به این نتایج دست یافته است: مدیران باهوش هیجانی بالا در موقعیت های تغییرپذیر، نسبت به مدیرانی باهوش هیجانی پایین تر بیشتر از شیوه رویارویانه و حل مدبرانه مسئله استفاده کردند و در باقی شیوه ها تفاوتی بین دو گروه حاصل نشد. در موقعیت های تغییرناپذیر نیز مدیرانی باهوش هیجانی بالا بیشتر از شیوه ارزیابی مجدد مثبت، نسبت به مدیرانی باهوش هیجانی پایین تر استفاده کرده و در بقیه موارد تفاوتی بین آن ها مشاهده نشد. علاوه بر این بین نمرات هوش هیجانی مدیران زن و مرد و هم چنین هوش هیجانی مدیران بالای ۴۰ سال و ۴۰ سال به پایین تفاوتی دیده نشد.

- بهرامی خوندابی (۱۳۸۳)، در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه ی میان خودکنترلی و کیفیت زندگی دانشجویان به این نتیجه رسید که بین خودکنترلی و کیفیت زندگی دانشجویان ارتباط وجود دارد، یعنی هرچه خودکنترلی بالاتر رود کیفیت زندگی بهبود می یابد و در مقایسه ی خودکنترلی دانشجویان دختر و پسر نشان داد که تفاوتی بین خودکنترلی دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد.

- اکبر اعتباریان و زینب پورولی (۱۳۸۷)، در پژوهش خود تحت عنوان تعیین رابطه ی میان خودکنترلی و استراتژی های حل تعارض در بین کارکنان اداری دانشگاه آزاد خوراسگان (اصفهان) به این نتیجه رسیدند بین خودکنترلی و استراتژی های خدمت رسانی و مصالحه ی مستقیم و بین خودکنترلی و استراتژی های انسجام، تسلط و اجتناب معکوس بود. آن ها به این نتایج نیز دست یافتند که افراد با خودکنترلی بالا برای حل تعارض، سبک خدمت رسانی و مصالحه را بکار می گیرند. در زمینه میزان به کارگیری خودکنترلی در زنان و مردان، به این نتیجه رسیدند که خودکنترلی در زنان و مردان تفاوتی ندارد. از آنجایی که خودکنترلی با استراتژی های انسجام، تسلط و اجتناب رابطه ی معنادار معکوس و با استراتژی مصالحه و خدمت رسانی رابطه ی معنادار مستقیم داشت، به این نتیجه

¹.Tout

².Cashal

³.Couants



رسیدند که هرچه خودکنترلی افراد بالاتر باشد، از سبک مصالحه و خدمت‌رسانی بیشتر از سبک تسلط، انسجام و مصالحه برای حل تعارض‌ها استفاده می‌کنند.

- بلکی^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهش خود که آیا افراد دمدی مزاج شهروندان خوبی هستند؟ به بررسی رابطه میان خودکنترلی و سازمان‌دهی رفتار شهروندی، بر روی مدیران و متخصصان آزمایشگاه پژوهشی دولت فدرال پرداختند. درجه‌ی سرپرستی از لحاظ سازمان‌دهی رفتار شهروندی زیردستان جمع‌آوری شد و با خود سنجی ۱۷۲ زیردست از لحاظ خودکنترلی، رضایت شغلی، تعهد سازمانی، حمایت‌های سازمانی و درک مشخصه‌های شغلی باهم مقایسه شدند. سپس یک سال بعد باز درجه‌ی سرپرستی از لحاظ رفتار شهروندی زیردستان دوباره جمع‌آوری شد، نتایج آن‌ها نشان داد که سرپرستان با خودکنترلی بالا بهتر می‌توانند رفتار شهروندی خود را سازمان‌دهی و زیردستان را هدایت کنند.

- چان^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «هوش هیجانی، خود تأثیری و سازگاری در میان معلمان ضمن خدمت و در انتظار خدمت چینی در هونگ کنگ» به این موضوع پرداخت تا منابع فردی را که تسهیل‌کننده سازگاری فعال و غیرفعال است، آشکار سازد. هوش هیجانی درون فردی و میان فردی، پیش‌بینی راهبرد سازگاری فعال دخالتی نداشت. اگرچه برخی شواهد نشان می‌داد که خود تأثیری معلم ممکن است در پیش‌بینی سازگاری فعال به‌ویژه در معلمان مرد باهوش هیجانی درون فردی اثر متقابل داشته باشد.

- بریک^۳ و همکاران (۲۰۰۵)، پژوهشی با عنوان خودکنترلی تعدیل‌کننده روابط بین پنج عامل بزرگ ویژگی‌های شخصیت و عملکرد میان فردی انجام دادند. یافته‌ها از بین یک نمونه ۱۰۲ نفری از دانشجویان مدیریت اجرایی نشان داد که وقتی خودکنترلی بالاست، روابط بین سه ویژگی از ویژگی‌های پنج عاملی شخصیت یعنی (برون‌گرایی، استواری هیجانی و گشاده ذهنی) در تجربه و عملکرد میان فردی سرپرستان کاهش می‌یابد. این نتیجه برای گروه همسالان نیز تکرار شد و همان‌گونه که انتظار می‌رفت خودکنترلی تعدیل‌کننده رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیت و اجرای فعالیت در گروه همسالان و سرپرستان نیست.

روش

روش تحقیق در این پژوهش به لحاظ زمان گردآوری داده‌ها مقطعی، هدف کاربردی، به لحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی همبستگی و به لحاظ نوع داده کمی بود.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از کلیه دبیران مدارس متوسطه دولتی شهرستان دماوند که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در آموزش و پرورش مشغول به خدمت بوده‌اند که تعداد آنها ۳۳۲ معلم می‌باشد. جهت انجام این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است که با استفاده از جدول مورگان ۱۵۰ نفر انتخاب گردید.

ابزار پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش نیاز به ۲ پرسشنامه هوش هیجانی و خودکنترلی بوده است که هر دو از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است. در مورد هوش هیجانی پرسشنامه بار-آن و برای خودکنترلی از پرسشنامه رزنام استفاده شده است. پرسشنامه هوش هیجانی شامل ۹۰ سوال است. از آنجا که گزینه‌ها بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در بعضی سوالات با محتوای منفی یا معکوس، از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) قرار داده شده است.

¹. Blakely

²- Chan

³. Burrick ctal



کاملاً مخالفم (۵) انجام می شود. نمره کل هر مقیاس، برابر با مجموع نمرات هریک از سوالات آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می باشد. کسب امتیاز بیشتر در این آزمون، نشانگر موفقیت برتر فرد در مقیاس مورد نظر یا در کل آزمون و بر عکس می باشد. پرسشنامه خود کنترلی شامل ۳۶ سوال است. نمره گذاری از ۳+ به ۳- (بسیار زیاد توصیف کننده من ۳+ و بی نهایت نا متناسب ۳-) انجام می شود. و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات می باشد. کسب امتیاز بیشتر در این آزمون، نشانگر موفقیت برتر فرد در آزمون و بر عکس می باشد.

چگونگی تعیین روایی و اعتبار ابزار پژوهش

ضریب پایایی نشانگر آن است که تا چه اندازه ابزار اندازه گیری ویژگی های باثبات آزمودنی و یا ویژگی های متغیر موقتی آن را می سنجد. برای محاسبه ضریب پایایی ابزار اندازه گیری روش های مختلفی به کار برده می شود. پرسش نامه های مذکور به طور آزمایشی میان ۳۰ نفر از دبیران توزیع و پس از محاسبه آلفای کرونباخ از طریق نرم افزار SPSS پایایی آنها بدین شرح می باشد.

الف) هوش هیجانی: ۰/۹۳ (ب) خودکنترلی ۰/۷۲

برای تعیین روایی ابزار پژوهش با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه ها مشخص است که سوالها از متن کتابهای علمی استخراج شده اند. همچنین پرسشنامه ها به رویت اساتید راهنما و مشاور رسید و ایشان روایی آنرا تأیید نمودند و در آخر پرسشنامه ها به ۳۰ نفر از آزمودنیها که به طور تصادفی انتخاب شده بودند جهت نظر خواهی داده شد و آنان نیز سوالهای پرسشنامه ها را مناسب ارزیابی نمودند.

یافته ها

در تحلیل داده ها در بخش آمار استنباطی از آزمون های تی تک نمونه ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

۱- فرضیه اول:

- بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان مدارس متوسطه شهرستان دماوند رابطه وجود دارد.

جدول ۱- آزمون همبستگی پیرسون برای مشخص کردن رابطه هر یک از مولفه های هوش هیجانی با خودکنترلی

مولفه های هوش هیجانی															هوش هیجانی	
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	خودکنترلی	
۰.۱۰۱	۰.۰۱۴	-۰.۱	۰.۰	-۰.۱	۰.۱	۰.۱	-۰.۱	۰.۱	۰.۰	۰.۱	۰.۰	۰.۱	۰.۰	۰.۰	ضریب همبستگی پیرسون	خودکنترلی
۰.۱۸	۰.۸۵	۰.۰۵	۰.۶۵	۰.۱۷	۰.۱۴	۰.۴۹	۰.۳۸	۰.۰۶	۰.۸۷	۰.۲۰	۰.۶۸	۰.۲۱	۰.۵۶	۰.۸۴	سطح معنی داری	
۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	تعداد	

رابطه معنی داری بین هیچ یک از مولفه های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نمی شود.

۲- فرضیه دوم:

- مولفه های هوش هیجانی قابلیت پیش بینی خودکنترلی معلمان را بردارد.



جدول ۲- خلاصه مدل رگرسیون

مدل	همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح شده	خطای معیار برآورد
۱	.۴۱۰ (a)	.۱۶۸	.۰۸۹	۱۵.۷۴۱

a: پیش بینی کننده ها (مقدار ثابت) حل مساله- شادمانی- تحمل فشار روانی- خود شکوفائی- خود آگاهی- واقع گرایی- روابط بین فردی- خوش بینی- عزت نفس- کنترل تکانش- انعطاف پذیری- مسئولیت پذیری اجتماعی- همدلی- خود ابرازی- استقلال. هر چند رابطه معنی داری بین تک تک مولفه های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نشده اما همبستگی چندگانه بین مولفه های هوش هیجانی و خود کنترلی ۰/۴۱ می باشد و آزمون F نشان می دهد این همبستگی معنی دار است. همچنین مقدار ضریب تبیین اصلاح شده برابر ۰/۰۸۹ می باشد و نشان می دهد که تنها ۸/۹ درصد از تغییرات خودکنترلی به مولفه های هوش هیجانی مربوط است و بقیه ناشی از عوامل دیگری است که مورد بررسی قرار نگرفته اند. برای مشخص نمودن سهم هر یک از مولفه ها در تبیین ۸/۹ درصدی خودکنترلی از آزمون t و ضرایب بتا استفاده شده است.

جدول ۳- آزمون معنی داری همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش بینی کننده (مستقل) و پیش بینی شونده (وابسته)

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۷۹۵۲.۶۹	۱۵	۵۳۰.۱۸۰	۲.۱۴	.۰۱۱ (a)
باقی مانده	۳۹۳۹۶.۷	۱۵۹	۲۴۷.۷۸		
کل	۴۷۳۴۹.۴۳	۱۷۴			

a: پیش بینی کننده ها (مقدار ثابت) حل مساله- شادمانی- تحمل فشار روانی- خود شکوفائی- خود آگاهی- واقع گرایی- روابط بین فردی- خوش بینی- عزت نفس- کنترل تکانش- انعطاف پذیری- مسئولیت پذیری اجتماعی- همدلی- خود ابرازی- استقلال.

b پیش بینی شونده: خود کنترلی

جدول ۴- مقادیر معادله رگرسیون و ضرایب بتا

Sig.	t	ضریب اصلاح نشده		Model
		Beta	خطای معیار	
.۳۶۵	.۹۰۹	--	۵۵.۶۲۱	۱ (Constant)
.۳۹۰	-.۸۶۱	-.۰۹۰	۱.۱۳۱	حل مسئله
.۴۷۵	.۷۱۶	.۱۱۴	۱.۰۴۹	خوشبختی
.۲۶۵	۱.۱۱۸	.۱۸۶	.۸۱۴	استقلال
.۱۴۵	۱.۴۶۳	.۱۸۱	.۸۸۵	تحمل فشار روانی
.۵۵۰	.۶۰۰	.۱۳۵	.۹۶۲	خودشکوفایی
.۴۹۲	-.۶۸۹	-.۱۹۷	۱.۸۵۳	خودآگاهی هیجانی
.۱۲۲	۱.۵۵۴	.۲۲۱	.۷۲۵	واقع گرایی
.۷۲۷	-.۳۵۰	-.۰۴۴	.۶۴۴	روابط بین فردی
.۵۱۰	-.۶۶۰	-.۰۸۳	۱.۲۵۱	خوش بینی



عزت نفس	۱۰۰۸۹	۱۰۵۱۱	۱۲۸	۷۲۱	۴۷۲
کنترل تکانش	-۱۰۲۱۳	۱۰۵۱	-۱۹۱	-۱۰۱۵۴	۲۵۰
انعطاف پذیری	۵۰۶	۱۰۲۴۹	۰۷۶	۴۰۵	۶۸۶
مسئولیت پذیری	-۱۸۰۹	۱۰۳۸۴	-۱۸۲	-۱۰۳۰۷	۱۹۳
همدلی	-۱۰۵۲۷	۰۹۱۹	-۰۲۵۱	-۱۰۶۶۱	۰۹۹
خودابرازی	۱۰۶۳۸	۰۶۶۴	۰۳۱۹	۲۰۴۶۸	۰۱۵

متغیر وابسته: خود کنترلی

این جدول نشان می دهد که خودابرازی با (۰/۳۱۹) دارای بیشترین سهم در تبیین تغییرات خودکنترلی است بطوریکه با یک واحد تغییر در این متغیر (۰/۳۱۹) واحد تغییر در خودکنترلی رخ می دهد. بقیه متغیرها سهم قابل توجهی در تبیین تغییرات خودکنترلی ندارند.

۳- سوال فرعی اول:

• وضعیت خودکنترلی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟

جدول ۵- شاخص های توصیفی مربوط به متغیر خود کنترلی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
۱۷۵	۵۴/۴۶	۱۶/۴۹۶	۱/۲۴۷

جدول ۶- آزمون t تک نمونه ای برای مقایسه میانگین نمونه و میانگین نظری (۳۶)

T	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت از میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوتها
				حد پایین حد بالا
۱۴۸۰۱	۱۷۴	۰۰۰	۱۸/۴۵۷۱۴	۱۵/۹۹۶۰ ۲۰/۹۱۸۳

مقدار t محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح ۰/۰۵ و با درجه آزادی ۱۷۴ می باشد. در نتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری رد می شود و چون مقدار t مشاهده شده مثبت است، بنابراین می توان نتیجه گرفت میانگین نمونه (۵۴/۴۶) بزرگتر از میانگین نظری است و میزان خودکنترلی در جامعه مورد مطالعه بالاتر از متوسط نظری است.

۴- سوال فرعی دوم

• وضعیت هر یک از مولفه های هوش هیجانی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟



جدول ۷- شاخص های توصیفی مربوط به مولفه های هوش هیجانی

مؤلفه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
حل مسئله	۳۳۲	۳.۱۷۳۲	۰.۲۹۵۷۸	۰.۱۶۲۳.
خوشبختی	۳۳۲	۳.۳۳۳۸	۴۸۵۷۰.	۰.۲۶۶۶.
استقلال	۳۳۲	۳.۴۵۶۸	۵۴۴۸۷.	۰.۲۹۹۰.
تحمل فشار روانی	۳۳۲	۳.۵۳۲۱	۴۵۲۴۸.	۰.۲۴۸۳.
خودشکوفایی	۳۳۲	۳.۵۸۴۸	۶۰۴۶۸.	۰.۳۳۱۹.
خودآگاهی هیجانی	۳۳۲	۳.۲۸۲۱	۴۹۳۳۸.	۰.۲۷۰۸.
واقع گرایی	۳۳۲	۲.۹۹۶۰	۵۳۵۵۶.	۰.۲۹۳۹.
روابط بین فردی	۳۳۲	۴.۰۵۷۷	۶۰۵۸۰.	۰.۳۳۲۵.
خوش بینی	۳۳۲	۲.۸۰۹۹	۴۳۱۷۳.	۰.۲۳۶۹.
عزت نفس	۳۳۲	۲.۸۴۵۹	۳۲۳۷۷.	۰.۱۷۷۷.
کنترل تکانش	۳۳۲	۲.۸۵۵۴	۴۶۵۶۹.	۰.۲۵۵۶.
انعطاف پذیری	۳۳۲	۳.۰۶۹۳	۴۵۱۷۲.	۰.۲۴۷۷.
مسئولیت پذیری	۳۳۲	۳.۱۴۹۱	۳۱۰۰۲.	۰.۱۷۰۱.
همدلی	۳۳۲	۳.۷۸۸۲	۵۵۰۸۴.	۰.۳۰۲۳.
خودابرازی	۳۳۲	۳.۴۰۴۱	۵۱۹۲۸.	۰.۲۸۵۰.



جدول ۸- آزمون t تک نمونه ای برای مقایسه میانگین نمونه و میانگین نظری (۳۶)

مؤلفه ها	آماره	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت از میانگین		فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوتها
					حد پایین	حد بالا	
حل مسئله	۱۰.۶۷	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۱۷۳۱	۰.۱۴۱۳	۰.۲۰۵	
خوشبختی	۱۲.۵۲	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۳۳۳۸	۰.۲۸۱۴	۰.۳۸۶	
استقلال	۱۵.۲۷	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۴۵۶۸	۰.۳۹۸۰	۰.۵۱۵	
تحمل فشار روانی	۲۱.۴۲	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۵۳۲۱	۰.۴۸۳۳	۰.۵۸۱	
خودشکوفایی	۱۷.۶۲	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۵۸۴۸	۰.۵۱۹۶	۰.۶۵۰	
خودآگاهی هیجانی	۱۰.۴۲	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۲۸۲۱	۰.۲۲۸۹	۰.۳۳۵	
واقع گرایی	-۱.۳۷	۳۳۱	۰.۸۹۱	-۰.۰۰۴	-۰.۰۶۱۸	۰.۰۵۳۸	
روابط بین فردی	۳۱.۸۱	۳۳۱	۰.۰۰۰	۱.۰۵۱	۰.۹۹۲۳	۱.۱۲	
خوش بینی	-۸.۰۵	۳۳۱	۰.۰۰۰	-۰.۱۹۱	-۰.۲۳۷۴	-۰.۱۴۴	
عزت نفس	-۸.۶۷	۳۳۱	۰.۰۰۰	-۰.۱۵۴	-۰.۱۸۹۱	-۰.۱۱۹	
کنترل تکانش	-۵.۶۵	۳۳۱	۰.۰۰۰	-۰.۱۴۵	-۰.۱۹۴۹	-۰.۰۹۴	
انعطاف پذیری	۲.۷۹	۳۳۱	۰.۰۰۵	۰.۰۶۹	۰.۰۲۰۶	۰.۱۱۸	
مسئولیت پذیری	۸.۷۶	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۱۴۹	۰.۱۱۵۶	۰.۱۸۲	
همدلی	۲۶.۰۷	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۷۸۸	۰.۷۲۸۷	۰.۸۴۷	
خودآبرازی	۱۴.۱۸	۳۳۱	۰.۰۰۰	۰.۴۰۴	۰.۳۴۸۱	۰.۴۶۰	

مقدار t محاسبه شده برای تمامی مؤلفه‌هایی هوش هیجانی (به جز واقع گرایی) بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح ۰/۰۵ و با درجه آزادی ۳۳۱ می‌باشد. در نتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری در این موارد رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین نمونه و میانگین نظری (۳) تفاوت معنی داری وجود دارد. اما چون مقدار t برای مؤلفه‌های خوش بینی، عزت نفس و کنترل تکانش منفی است، در نتیجه میانگین نمونه در این موارد به طور معنی داری کمتر از میانگین نظری است و نتیجه گرفته می‌شود که وضعیت نمونه‌ها از نظر این سه مؤلفه کمتر از متوسط می‌باشد. در سایر موارد مقدار محاسبه شده برای t مثبت است و چون تفاوت معنی داری بین میانگین نمونه و جامعه (نظری) مشاهده شده است، در نتیجه وضعیت جامعه آماری در این موارد بالاتر از متوسط جامعه می‌باشد. در مورد واقع گرایی هم چون تفاوت معنی داری بین میانگین نمونه و نظری دیده نشد، بنابراین وضعیت جامعه در این مؤلفه در حد متوسط است.

جدول ۹- آزمون t برای مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی در زنان و مردان

	جنسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
حل مسئله	زن	۱۵۷	۱۹.۰۳۱۸	۲.۱۰۷۳۰	-۰.۷۱	۰.۹۳۴
	مرد	۱۷۵	۱۹.۰۴۵۷	۱.۵۳۰۶۰	-۰.۷۰	۰.۹۴۴
خوشبختی	زن	۱۵۷	۲۰.۰۸۹۲	۳.۳۱۵۴۲	۰.۵۱۰	۰.۶۱۱
	مرد	۱۷۵	۱۹.۹۲۵۷	۲.۵۰۷۵۰	۰.۵۰۲	۰.۶۱۶
استقلال	زن	۱۵۷	۲۰.۲۴۸۴	۳.۰۸۷۷۳	-۲.۶۲۳	۰.۰۰۹
	مرد	۱۷۵	۲۱.۱۸۲۹	۳.۳۷۱۷۵	-۲.۶۳۶	۰.۰۰۹



تحمل فشار روانی	زن	۱۵۷	۲۰.۵۸۶۰	۲.۹۹۷۹۶	-۳.۹۴۱	.۰۰۰
	مرد	۱۷۵	۲۱.۷۳۷۱	۲.۳۰۹۲۹	-۳.۸۸۷	.۰۰۰
خودشکوفایی	زن	۱۵۷	۲۱.۶۳۰۶	۳.۳۵۱۷۸	.۵۷۸	.۵۶۴
	مرد	۱۷۵	۲۱.۴۰۰۰	۳.۸۶۵۵۶	.۵۸۲	.۵۶۱
خودآگاهی هیجانی	زن	۱۵۷	۱۹.۷۹۶۲	۳.۳۶۷۹۱	.۶۰۲	.۵۴۷
	مرد	۱۷۵	۱۹.۶۰۰۰	۲.۵۴۶۱۳	.۵۳۹	.۵۵۳
واقع گرایی	زن	۱۵۷	۱۸.۴۰۱۳	۳.۱۴۷۷۷	۲.۲۹۹	.۰۲۲
	مرد	۱۷۵	۱۷.۵۹۴۳	۳.۲۳۲۵۵	۲.۳۰۳	.۰۲۲
روابط بین فردی	زن	۱۵۷	۲۳.۲۶۷۵	۳.۷۳۸۸۸	-۵.۳۳۰	.۰۰۰
	مرد	۱۷۵	۲۵.۳۱۴۳	۳.۲۵۶۹۲	-۵.۲۹۱	.۰۰۰
خوش بینی	زن	۱۵۷	۱۷.۸۱۵۳	۳.۰۶۷۲۴	۶.۸۲۱	.۰۰۰
	مرد	۱۷۵	۱۵.۹۹۴۳	۱.۶۵۹۱۷	۶.۶۲۱	.۰۰۰
عزت نفس	زن	۱۵۷	۱۶.۷۷۰۷	۱.۹۰۰۹۹	-۲.۷۳۲	.۰۰۷
	مرد	۱۷۵	۱۷.۳۴۸۶	۱.۹۴۴۲۵	-۲.۷۳۶	.۰۰۷
کنترل تکانش	زن	۱۵۷	۱۷.۰۷۶۴	۳.۰۰۱۱۶	-۳.۴۴۶	.۷۳۰
	مرد	۱۷۵	۱۷.۱۸۲۹	۲.۶۰۲۱۱	-۳.۴۴۳	.۷۳۲
انعطاف پذیری	زن	۱۵۷	۱۸.۳۷۵۸	۲.۹۵۱۳۴	-۲.۵۴۴	.۸۰۰
	مرد	۱۷۵	۱۸.۴۵۱۴	۲.۴۷۶۷۲	-۲.۵۵۱	.۸۰۲
مسئولیت پذیری	زن	۱۵۷	۱۹.۰۷۰۱	۲.۰۵۱۰۰	۱.۶۳۲	.۱۰۴
	مرد	۱۷۵	۱۸.۷۳۷۱	۱.۶۰۰۷۵	۱.۶۱۴	.۱۰۸
همدلی	زن	۱۵۷	۲۲.۰۵۷۳	۳.۷۵۵۷۵	-۳.۵۶۹	.۰۰۰
	مرد	۱۷۵	۲۳.۳۳۱۴	۲.۷۱۳۰۸	-۳.۵۰۸	.۰۰۱
خودابرازی	زن	۱۵۷	۲۰.۰۸۲۸	۲.۹۷۸۴۷	-۱.۹۰۱	.۰۵۸
	مرد	۱۷۵	۲۰.۷۳۱۴	۳.۲۱۱۳۱	-۱.۹۰۹	.۰۵۷

مقدار t محاسبه شده برای مؤلفه های استقلال، تحمل فشار روانی، واقع گرایی، روابط بین فردی، خوش بینی، عزت نفس و همدلی در سطح $0/05$ و با درجه آزادی 330 بزرگ تر از مقدار بحرانی t در سطح $0/05$ می باشد. در نتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری در این موارد رد می شود و نتیجه می گیریم که بین میانگین نمرات دو گروه زنان و مردان در این مؤلفه ها تفاوت معنی داری وجود دارد. اما چون مقدار t محاسبه شده برای مؤلفه های حل مسئله، خوشبختی، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری و خود ابرازی کمتر از مقدار بحرانی t می باشد، در نتیجه در این مؤلفه ها بین نظرات دو گروه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

تجزیه و تحلیل یافته های مربوط به سؤالات پژوهش

فرضیه اول: بین هوش هیجانی و خودکنترلی معلمان مدارس متوسطه شهرستان دماوند رابطه وجود دارد.

با توجه به محاسبات انجام شده رابطه معنی داری بین هیچ یک از مؤلفه های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نمی شود.

فرضیه دوم: می توان خودکنترلی معلمان را بر اساس مؤلفه های هوش هیجانی آنان پیش بینی کرد.



پیش‌بینی‌کننده‌ها (مقدار ثابت) حل مسئله- شادمانی- تحمل فشار روانی- خود شکوفایی- خود آگاهی- واقع‌گرایی- روابط بین فردی- خوش‌بینی- عزت نفس- کنترل تکانش- انعطاف‌پذیری- مسئولیت‌پذیری اجتماعی- همدلی- خود ابرازی- استقلال.

پیش‌بینی شونده: خودکنترلی

هرچند رابطه معنی‌داری بین تک‌تک مؤلفه‌های هوش هیجانی با خودکنترلی دیده نشده اما همبستگی چندگانه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و خودکنترلی $0/41$ می‌باشد و آزمون F نشان می‌دهد این همبستگی معنی‌دار است. همچنین مقدار ضریب تبیین اصلاح‌شده برابر $0/089$ می‌باشد و نشان می‌دهد که تنها $8/9$ درصد از تغییرات خودکنترلی به مؤلفه‌های هوش هیجانی مربوط است و بقیه ناشی از عوامل دیگری است که موردبررسی قرار نگرفته‌اند. برای مشخص نمودن سهم هر یک از مؤلفه‌ها در تبیین $8/9$ درصدی خودکنترلی از آزمون t و ضرایب بتا استفاده شده است.

در محاسبات انجام‌شده مقادیر معادله رگرسیون و ضرایب بتا نشان می‌دهد که خود ابرازی با $(0/319)$ دارای بیشترین سهم در تبیین تغییرات خودکنترلی است به‌طوریکه با یک واحد تغییر در این متغیر $(0/319)$ واحد تغییر در خودکنترلی رخ می‌دهد. بقیه متغیرها سهم قابل‌توجهی در تبیین تغییرات خودکنترلی ندارند.

سؤال فرعی اول: وضعیت خودکنترلی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟

بر اساس محاسبات انجام‌شده مقدار t محاسبه‌شده بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح $0/05$ و با درجه آزادی 174 می‌باشد. درنتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری رد می‌شود و چون مقدار t مشاهده‌شده مثبت است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میانگین نمونه $(54/46)$ بزرگ‌تر از میانگین نظری است و میزان خودکنترلی در جامعه مورد مطالعه بالاتر از متوسط نظری است.

سؤال فرعی دوم: وضعیت هر یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی در بین معلمان متوسطه شهرستان دماوند چگونه است؟

بر اساس محاسبات انجام‌شده مقدار t محاسبه‌شده برای تمامی مؤلفه‌هایی هوش هیجانی (به جز واقع‌گرایی) بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح $0/05$ و با درجه آزادی 331 می‌باشد. درنتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری در این موارد رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین نمونه و میانگین نظری (۳) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما چون مقدار t برای مؤلفه‌های خوش‌بینی، عزت نفس و کنترل تکانش منفی است، درنتیجه میانگین نمونه در این موارد به‌طور معنی‌داری کمتر از میانگین نظری است و نتیجه گرفته می‌شود که وضعیت نمونه‌ها از نظر این سه مؤلفه کمتر از متوسط می‌باشد. در سایر موارد مقدار محاسبه‌شده برای t مثبت است و چون تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمونه و جامعه (نظری) مشاهده‌شده است، درنتیجه وضعیت جامعه آماری در این موارد بالاتر از متوسط جامعه می‌باشد. در مورد واقع‌گرایی هم چون تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمونه و نظری دیده نشد، بنابراین وضعیت جامعه در این مؤلفه در حد متوسط است.

با توجه به نتایج حاصل از محاسبه آزمون t برای مقایسه نظرات زنان و مردان در مورد مؤلفه‌های هوش هیجانی، مقدار t محاسبه‌شده برای مؤلفه‌های استقلال، تحمل فشار روانی، واقع‌گرایی، روابط بین فردی، خوش‌بینی، عزت نفس و همدلی در سطح $0/05$ و با درجه آزادی 330 بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح $0/05$ می‌باشد. درنتیجه فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نمونه و میانگین نظری در این موارد رد می‌شود و نتیجه می‌گیریم که بین میانگین نمرات دو گروه زنان و مردان در این مؤلفه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما چون مقدار t محاسبه‌شده برای مؤلفه‌های حل مسئله، خوشبختی، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و خود ابرازی کمتر از مقدار بحرانی t می‌باشد، درنتیجه در این مؤلفه‌ها بین نظرات دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.



نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رهنورد (۱۳۸۷)، کلهر (۱۳۸۷)، زند (۱۳۸۶)، حاجلو (۱۳۸۲)، همسویی داشت و با نتایج امرایی (۱۳۸۷)، دانش (۱۳۸۷)، مظاهری (۱۳۸۳)، عطایی فر (۱۳۸۶)، منصوری (۱۳۸۷)، بهرامی خوندابی (۱۳۸۳) همسو نبود.

منابع

- اکبرزاده، نسرين. (۱۳۸۳). هوش هیجانی. چاپ اول. انتشارات فارابی.
- بهرامی خوندابی، فاطمه (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین خودکنترلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان. دومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
- حاجیلو. (۱۳۸۲).
- حسینی، فاطمه. (۱۳۸۳). درباره هوش هیجانی چه می دانید؟ روزنامه همشهری ۲۹ مهر.
- دانش. (۱۳۸۷).
- کارشناسی ارشد.
- گلמן، دانیل. هوش هیجانی، ترجمه نسرين پارسا. (۱۳۸۳). رشد.
- مظاهری. (۱۳۸۳).
- اعتباریان، اکبر، پورولی، زینب (۱۳۸۷). تعیین رابطه ی میان خودکنترلی و استراتژی های حل تعارض در بین کارکنان اداری دانشگاه آزاد خوراسگان. رهیافتی نو در نديريت آموزشی سال اول، زمستان.
- Barrick, Murry R and Parks Laura and Mount, Michael k, (2005), "Self -Monitoring as a moderator of the relationships between personality traits and performance".** *personality psychology*, vol 58, pp745-765
- Blakely Gerald L, Andrews Martha C, Fuller Jack (2003). Are chameleons good citizens? A Logitudinal Study of the relationship Between Self-monitoring and
- Chan, Y.C., Ciarrochi, J., Bajgar, J. (2008). Measuring emotional intelligence in Adolescents, *Personality and individual differences*, Vol 31.
- Goleman, D. (1995). Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ. New York: Bantam Books. <http://trochim.human.cornell.edu/gallery/yong/emotion.htm>.
- Organizational Citizenship. *Journal of Business and Psychology*, Vol, 18, No.2.
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. Imagination, And PERSONALITY, [Http://trochim.human.cornell.edu/gallery/yong/emotion.htm](http://trochim.human.cornell.edu/gallery/yong/emotion.htm).
- Salovey, P., & Mayer, J.D. (1990). Emotional intelligence. Imagination, And PERSONALITY. WWW.Yahoo.com.
- Snyder, (1974). "self-monitoring of expressive behavior". *J, personal. Soc. Psycho.* 30: 526-527. 1974.
- Wong. C. Law KS. (2002). *The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude, an exploratory study, leadership quarterly*



The relationship between emotional intelligence and self-control of Damavand high school teachers

Abstract

This research is about the investigation of the relationship between high school teachers emotion wit and their self-control in Damavand. our population for this study is all teachers from public high school in 89-90 they are 332. With simple random sampling ,we selected 150 by using Morgan table. the instruments for this study are two standard questioners of the load of emotion wit and Rozenbam self -control,the kronbakh coefficient in emotion wit is %93 percent and self -control is %72.The research findings indicate:1.There is no meaningful relation between the emotion wit and self -control principal. 2.although there is no meaningful relation between them but. the multiple correction their principals is 0/41 and the F- test shows that this correction is meaningful. and the amount of modified coefficient is 0/89 and states that only 8.9 percent of self-control changes are related to emotion wit principal and others are as a result of some factors that are not investigated. 3.The level of self- control in this population is Upper that the theoretical average. 4.T.test shows that the position of optimistic oplomd and self -control is Lower than the average. The realism principal is as average as the society And others are upper than the average.

Key words: emotion wit, self-control, optimistic Oplomd, self -control